



صائب تبریزی

خلق خوش چون صلح می سازد گوار اجنگ را  
می نماید چرب نرمی مومیایی سنگ را  
بر فقیران مرگ آسان تر بود از اغنیا  
راحت افزون است در کندن، قبا ی تنگ را  
خور دا ز بس زخم های منکر از نادیدنی  
مر هم زنگار کرد آیین من زنگ را  
گریه را در پرده دل آب و تاب دیگر است  
حسن دیگر هست در مینامی گل رنگ را  
گفت و گوی ناصحان بر دل گرانی می کند  
ورنه گیر د از هوا دیوانه من سنگ را  
از نواهای مخالف می کشند از خلق  
گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را  
ظاهر آرایان ز چشم شور ایمن نیستند  
نیست از خورشید پیروایی گل بی رنگ را  
سحر آتائیر نبود در عصای موسوی  
راستی در هم نور دوحیل و نیرنگ را  
مفت شیطانند صائب کوته اندیشان که سگ  
صید خود ساز دبه آسانی شکار لنگ را

\*\*\*



عماد خراسانی

دوست دارم و دانم که تویی دشمن جانم  
از چه بادشمن جانم شده ام دوست ندانم  
غم این است که چون ماه تو انگشت نمایی  
ورنه غم نیست که در عشق تور سوا ی جهانم  
ساز بشکسته ام و طایر پر بسته نگارا  
عجبی نیست که این گونه غم افز است فغانم  
آن لثیم است که چیزی دهد و باز ستاند  
جان اگر نیز ستانی ز تو من دل نستانم  
مرغان چنی راست بهاری و خزانی  
من که در دام اسیرم، چه بهارم چه خزانم  
ترسم اندر بر اغیار بر نام عزیزت  
چه کنم؟ بی تو چه سازم؟ شده ای ورد زبایم

\*\*\*



(محمود درویش- شاعر فلسطینی)

اگر باران نیستی، محبوب من  
درخت باش  
سرشار از باروری  
درخت باش  
و اگر درخت نیستی، محبوب من  
سنگ باش  
سرشار از رطوبت  
سنگ باش  
و اگر سنگ نیستی، محبوب من  
ماه باش  
در رؤیای عروست  
ماه باش  
چنین می گفت زنی در تشییع جنازه فرزندش.

\*\*\*



برش هایی از شعر نرودا

هوار از من بگیر خنده ت را نه!  
نان را از من بگیر، اگر می خواهی  
هوار از من بگیر،  
اما  
خنده ت را نه  
گل سرخ را از من بگیر  
سوستی را که می کاری  
موجی ناگهانی از زفره را  
که در تومی زاید  
از پس نبردی سخت بازمی گردم  
با چشمانی خسته  
که دنیا را دیده است  
بی هیچ دگرگونی  
خنده ت که همامی شود  
و در آسمان مرا می جوید  
تمامی درهای زندگی  
به رویم گشوده می شود

\*\*\*

اگر دیدی، به ناگاه  
خون من بر سنگفرش خیابان جاری است  
بخند، زیرا خنده تو  
برای دستان من  
شمشیری است آخته  
خنده تو، در پاییز  
در کنار دریا  
موج کف آلوده اش را  
باید برافروزد،  
و در بهاران، عشق من  
خنده ت را می خواهم  
چون گلی که در انتظارش بودم  
بخند بر شب  
نان را، هوار  
روشنی را، بهار را  
از من بگیر  
اما خنده ت را هرگز!  
تا چشم از دنیا بندم

# مرثیه‌ای برای میراث‌خانه پدری جلال

به بهانهٔ حال و روز ناخوش خانهٔ پدری نویسنده بزرگ معاصر، از سر نوشت خانه‌های اخوان ثالث

نیما یوشیج و پروین اعتصامی و اهمیت حفظ خانه‌های بزرگان ادبیات نوشته ایم



با این که این خانه‌موزه در آبان ۱۴۰۰ با حضور مسئولان شهر داری تهران افتتاح شد اما حالا گفته می شود امکان بازدید عموم از آن فراهم نیست.

## تقسیم خانهٔ پروین به ۳ قسمت!

رخشنده اعتصامی مشهور به پروین اعتصامی، قطعه‌سرای بزرگ معاصر، روزگاری از تبریز به تهران آمده بود و در این شهر زندگی می کرد. خانه این شاعر در تهران، در خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، کوچه شهید کمیلی واقع شده‌است. این خانه که در اصل خانه پدری پروین است، در سال ۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و تا پیش از انقلاب، عمارتی بزرگ بود که بعدها برادر پروین آن را فروخت و خانه با دیوار کشی هایی به سه خانه کوچک‌تر تقسیم شد. خانه اول را شهرداری خرید و در اختیار کمیته ملی موزه‌ها گذاشت. عمارت میانی که مراسم عروسی پروین در آن برگزار شده بود، تا چند سال پیش در مالکیت دو خواهر قرار داشت و خانه سوم هم تبدیل به کارگاه میل سازی شده بود. در سال ۸۷، شهردار وقت منطقه ۱۲ تهران از بازسازی این خانه با هزینه‌ای بیش از ۳۵۰ میلیون تومان خبر داد و گفت به زودی افتتاح خواهد شد. اما پس از گذشت ۱۴ سال، در خرداد ۱۴۰۱، مدیر عامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران در جمع حاضران در یک تور گردشگری ادبی گفت: در حال مذاکره هستیم تا خانه پروین اعتصامی را به شبکه خانه‌موزه‌های شهر تهران اضافه کنیم. خانه پدری پروین در تبریز هم یک خانه تاریخی و بسیار زیباست. این خانه در محله ششگلان، از قدیمی ترین محله‌های تبریز قرار دارد و امکان بازدید عموم از آن فراهم است. خانه پدری پروین در سال ۸۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و بعد از مدتی، سازمان میراث فرهنگی آن را مالک شخصی خرید و بازسازی کرد.

## ادب و هنر

## خانه ترک خورده اخوان ثالث در تهران

خانه‌ای در خیابان زرتشت غربی، کوچه خجسته، میزبان ۱۲ سال زندگی شاعر بزرگ معاصر، مهدی اخوان ثالث بوده که حالا به خانه‌موزه اخوان ثالث تبدیل شده‌است و علاقه‌مندان می‌توانند از آن بازدید کنند. اما این خانه هم از ثبت شدن در فهرست آثار ملی تا مرمت و بازسازی و باز شدن درش به‌روی مردم، راه‌درازی را طی کرد. خانه اخوان ثالث در سال ۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و چند سال بعد به مالکیت شهرداری تهران درآمد و سرانجام در سال ۹۱، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی آن را در اختیار گرفت و اقدامات مرمتی خانه آغاز شد. با آغاز مرمت خانه، اعضای خانواده اخوان ثالث از روند کار، گلایه‌هایی داشتند که در نهایت در مرداد ۹۹، در این خانه به روی عموم باز شد. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا این که در اسفند ۱۴۰۰ خبر رسید که تخریب خانه مجاور خانه‌موزه اخوان ثالث، به خانه این شاعر آسیب زده و دیوار مشترک این بنا با بنای همسایه ترک خورده‌است. با این شرایط، بازدید عمومی از این خانه برقرار است. آدرس خانه پدری اخوان ثالث در مشهد هم جایی حدفاصل ایستگاه سراب تا میدان سعدی است اما اثری از آن باقی نمانده‌است.

## خانه نیما، موزه شعر نوین ایران

خانه نیما یوشیج در همسایگی خانه سیمین و جلال در منطقه شمیرانات تهران قرار دارد. این خانه هم مشابه خانه‌های دیگر چهره‌های شاخص، سرگذشت عجیب و غریبی داشته‌پس از سال‌ها که به مخروبه و پاتوقی برای معتادان تبدیل شده بود، در سال ۹۸ به مالکیت سازمان زیباسازی شهر تهران درآمد و بازسازی‌اش با تعریف کاربری «موزه شعر نوین ایران» آغاز شد. خانه نیما یوشیج، متعلق به دوره پهلوی دوم است و برای بازسازی آن مبلغی بیش از چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه شد.



خانه پدری جلال آل احمد

زمان حضور مالکان بی‌ادعای قبلی، اگر چه پیر و فوت شده بود ولی باز هم پاک و محترم و مورد استفاده بود اما اکنون این خانه‌ها به یک آینه دق و یک ویرانه آکنده از زباله و نخاله، بدل شده است. در این مدت نه تنها هیچ گونه کار علمی و اساسی برای مرمت، بازسازی و احیای این بنای تاریخی صورت نگرفته‌است؛ بلکه به علت اهمال و سهل انگاری مکرر و مطول مسئولان امر، این خانه، بارها هدف تعرض و دستبرد افراد مختلف از جمله هجوم مکرر عده‌ای از افرادی خانمان و معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر قرار گرفته است. به تازگی سر نوشت شوم این پروژه بار دیگر ورق خورد و این بار به جای این که بنای تاریخی به یک مرکز فرهنگی عام المنفعه تبدیل شود، عملاً به یک دک فروش میوه و تره‌بار تبدیل شد! اگر چه خانه پدری جلال دچار این سرنوشت شوم شده اما خوشبختانه خانه متعلق به جلال آل احمد و سیمین دانشور در منطقه شمیران تهران چند سالی است که به‌موزه تبدیل شده و پذیرای علاقه‌مندان است.

زباله و نخاله‌های ساختمانی و میوه فروشی شده‌است! در دوره‌ای حضور معتادان متجاهر در این مکان تاریخی آن قدر اسفناک شد که صدای نماینده‌های شورای شهر تهران هم در آمد و رئیس کمیته بودجه شورای شهر تهران در ۲۳ آذر ۹۹، از تبدیل شدن خانه پدری جلال به پاتوق معتادان گلایه کرد. در شهریور ۱۴۰۰ اعلام شد که این خانه از وجود معتادان پاک سازی شده اما محمدحسین دانایی، خواهرزاده جلال در نوروز ۱۴۰۱ با خبرگزاری اسپندار باره وضعیت فاجعه‌بار خانه گفت و گو کرده بود. حالا محمدحسین دانایی در تازه‌ترین یادداشتی که در اختیار تسنیم قرار داده، درباره وضعیت خانه پدری جلال این‌طور نوشته‌است: «آن چه در این ۱۲ سال بر سر این خانه آمده‌ای آن چه بر سرش آورده‌اند، مصداق بارز همان وضعیتی است که به عنوان فاجعه یا تراژدی تعریف شد و سند متقنی است از وجود یک جریان قوی برای «حذف» میراث فرهنگی کشور با عنوان فریبنده «حفظ» میراث فرهنگی. خانه‌ای که در

## تراژدی خانه پدری آل احمد

خانه صدساله ایست... سیداحمد طالقانی (آل احمد)، پدر شمس و جلال آل احمد در محله پاچنار تهران، سال ۸۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و سازمان میراث فرهنگی در سال ۸۹ آن را از مالکش خرید. سال ۹۱ تابلوی خانه باستان‌شناسان کشور بر سر در این خانه نصب شد اما تا امروز خبری از حضور باستان شناسان در این خانه نبوده و در عوض تبدیل به مکانی برای حضور معتادان، انباشت

## کولاک تابستانی قربانی با «بی‌گناه»

**منوچهری** - اولین قسمت سریال «بی‌گناه» به کارگردانی مهرا ن احمدی، ۶ شهریور از شبکه نمایش خانگی پخش شد. فارغ از داستان سریال که هنوز مشخص نیست چه روندی را طی می کند، در همین روز های ابتدایی پخش سریال، تیتراژ پایانی آن با صدای علیرضا قربانی حسایی در دل مخاطبان جا باز کرده‌است؛ به طوری که بعضی هانتها نکته مثبت سریال را صدای این خواننده می دانند. ترانه سرای این آهنگ،

حسین غیائی است که امتحانش را قبلاً در سرودن ترانه‌های ماندگار پس داده‌است. به بخشی از این ترانه توجه کنید: «امده‌ام تو به داد دلم برسی / تو سکوت مرا بشنو که صدای غمم نرسد به کسی / امده‌ام تو به داد دلم برسی / چوپرنده زخمی بی‌پروبال ره‌ها شد از قفسی / باید که شبی برسی به قرارم / ایمان منی به خدا نسپارم / می‌ترسم از این که زمان نگذارد / چون دسته گلی برسی به مزارم». پیش از این، ترکیب حسین

غیائی، علیرضا قربانی و علیرضا افکاری در دو قطعه «خیال خوش» و «شروع ناگهان» هم نتیجه‌ای موفقیت آمیز داشت و این دو قطعه هم با واکنش مثبت مخاطبان روبه‌رو شد. قربانی و افکاری هر دو اهل تجربه‌های تازه و اجرا در فضاهای متفاوت هستند و عده‌ای



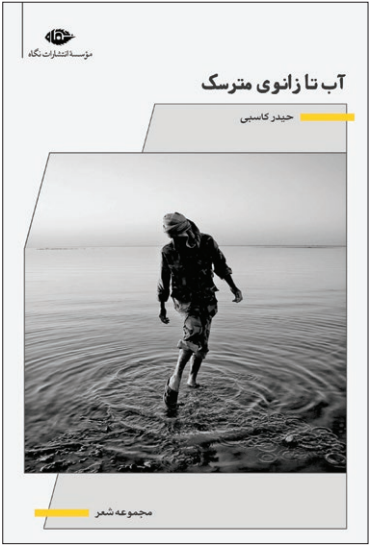
معتقدند تغییر مسیر قربانی با انتخاب علیرضا افکاری به عنوان آهنگ ساز در آثارش مشهود و نتیجه هم رضایت بخش است. برخلاف همایون شجریان که با انتخاب فردین خلعتبری به عنوان آهنگ ساز در آثار اخیرش، چندان موفق عمل نکرده‌است.

## هنر تجربه‌نگاری در شعر

دهد. اگر چه شاعر این کتاب به چند تکنیک منحصر به فرد که متعلق به خود اوست، دست یافته اما به دلیل تکرار چند باره تکنیک‌ها، این ویژگی را به ضعف بدل کرده‌است. از دیگر اشکالات این کتاب، این است که طولانی شدن برخی شعرها ضربه زنده‌است و شاعر با کوتاه نویسی می‌توانست اثر بدیع تری را خلق کند، در عوض، برخی از شعرها به دلیل کوتاه نویسی، عقیم مانده‌است.

## ارائه جهان بینی نوستالژیک

زهره‌اگر بزی از دیگر منتقدان این نشست ادبی نیز گفت: «جهان بی توروستای کوچکی است»، اولین مجموعه شعر حیدر کاسبی است و کتاب «آب تا زانوی مترسک را می توان ادامه کتاب اول این شاعر دانست. شاعر در کتاب دومش، حرکتی روبه جلو داشته و تصویرها و زبان پخته تری را در این کتاب، ارائه داده‌است. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که طبیعت گرایی در شعرهای این کتاب، حرف اول را می‌زند. وی بیان کرد: طرح سؤال، آشنایی ز دایه‌ها، ارائه تصاویر بدیع، چیدمان متفاوت واژگان، ارائه جهان بینی نوستالژیک، ارائه دغدغه‌های دوست داشتنی زندگی در عین صحبت کردن از مرگ به زیبایی شعرها افزوده‌است؛ اما با این همه برخی از شعرها در حد یک کشف شاعرانه باقی مانده‌است.



این نوع از تسلط، برای هر شاعری یک امتیاز ویژه به‌شمار می‌آید. کاسبی با استفاده هوشمندانه از کلمات در شعر، به کلمه‌ای چنان روح می‌بخشد که ما آن کلمه را به عنوان واقعیته از جهان پیرامون مان باور می‌کنیم. وی در ادامه به چند اشکال موجود در شعرهای این کتاب اشاره و خاطر نشان کرد: جملات ساده و روزمره‌ای که در کتاب آمده هیچ کمکی به سرایش شعرهای خوب نکرده‌است. همچنین شاعر با جابه‌جایی برخی از کلمات جمله در شعرها می‌توانست لذت بیشتری را به مخاطب ارائه

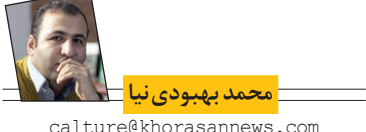
ما قصد القا و همراه سازی مخاطب با خود را داریم نه اقناع او را. با این ملاک، کتاب «آب تا زانوی مترسک» را می‌توان با قدرت و جرئت شعر دانست.

ساعتی افزود: در این کتاب، دانای کل یا همان شاعر، ناگهان به دویا چند انسان و اینگر، تکثیر می‌شود و از زوایای مختلف به جهان و حتی خود تکثیر شده‌اش می‌نگرد. این نوع روایت از پیرامون را می‌توان مهم‌ترین، ویژگی این کتاب دانست.

وی خاطر نشان کرد: در شعر حیدر کاسبی، اگر چه تعداد زیادی از کلمات غیر فارسی مانند کمباین، فرکانس، الوار، تراکتور... آورده شده است اما این کلمات، طوری در بافت و ساختار شعر قرار گرفته اند که اشکالی به شعر وارد نمی‌کنند. بعضی جملات محاوره‌ای نیز در کنار جملات معیار به چشم می‌خورد اما همنشینی کلمات بایکدیگر، نه تنها به بدنه شعر، ضربه نمی‌زند بلکه در شعر، خوش نشسته‌است.

## تجربه گرایی در شعر

مهدی رجبی دیگر منتقد حاضر در این نشست نیز ضمن تبریک چاپ سوم این کتاب به حیدر کاسبی گفت: در شعرهای این کتاب، روایت هایی از زندگی یک شاعر تجربه گر ا را می بینیم که در قالب سطرهایی درخشان آورده شده است. این شاعر و منتقد ادبی تصریح کرد: تسلط بر فرموزبان از ویژگی های حیدر کاسبی است که



محمد بهمودی نیا

یک شاعر و منتقد ادبی گفت: شاعر مجموعه شعر «آب تا زانوی مترسک»، شاعری اهل تفکر، تجربه گرایی و دقت است که با تسلط بر این موارد، اتفاقات قابل توجهی را در شعر رقم می‌زند.

به گزارش خراسان، مراسم نقد مجموعه شعر «آب تا زانوی مترسک» اثر حیدر کاسبی، عصرروز دوشنبه با حضور تعدادی از شاعران و منتقدان در حوزه هنری خراسان برگزار شد. محمدباقر کلاهی اهری از شاعران پیش کسوت شعر سپید کشور در این مراسم گفت: حیدر کاسبی، شاعری اهل تفکر، تجربه گرایی و دقت است که با تسلط بر این موارد، اتفاقات قابل توجهی را در شعر رقم می‌زند.

وی افزود: بسیاری از مهارت‌های شعری در ناخودآگاه شاعر رسوخ می‌کند و باعث روانی طبعش می‌شود؛ اما باید به این نکته توجه داشت که در جهان هنر و شعر، همیشه جایی برای تمرین و پیشرفت بیشتر وجود دارد. عباس ساعتی، از دیگر منتقدان ادبی حاضر در این نشست گفت: هر گاه کلامی قصد اقناع مخاطب را داشته باشد، آن کلام در واقع، شعر به‌شمار نمی‌آید. به عبارتی دیگر در کلام هنری،

## خبر

## استقبال کتاب فروشی‌ها از طرح جدید دولت



بیش از ۴۰۰ کتاب فروشی در «سامانه خرید از کتاب فروشی» ثبت نام کردند. هنوز، چند روز از اعلام خبر معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر

راه اندازی «سامانه خرید از کتاب فروشی» نگذشته است که خبرهایی مبنی بر ثبت نام بیش از ۴۰۰ کتاب فروشی در این سامانه به گوش می‌رسد. اتفاقی که علاوه بر رونق بخشی به بازار آشفته کتاب، دسترسی مخاطبان سراسر کشور را به کتاب آسان تر می‌کند. یاسر احمدوند که روز دوشنبه گذشته از اختصاص یارانه ۱۰ میلیارد تومانی به «سامانه خرید از کتاب فروشی» خبر داده بود، بابیان این که دولت سیزدهم، توجه به کتاب فروشی‌ها را در زمره طرح‌های حمایتی خود قرار داده‌است، اظهار کرد: در راستای ایجاد عدالت فرهنگی، باهدف تسهیل در دسترسی به کتاب، تقویت اقتصاد صنعت نشر کتاب، تقویت و اصلاح حلقه توزیع و فروش کتاب، حمایت از کتاب فروشی‌های سراسر کشور، فراهم سازی بستر مناسب برای بهره‌مندی عادلانه همه مردم از یارانه و استفاده از بستر مجازی، «سامانه خرید از کتاب فروشی» در دسترس فعالان این حوزه قرار گرفته است.

## فروش مجازی کتاب، در کنار فروش حقیقی

به گزارش خانه کتاب و ادبیات ایران، در «سامانه خرید از کتاب فروشی» امکان فروش مجازی در کنار فروش حضوری فراهم شده‌است. کتاب فروشی‌های متقاضی باید اطلاعات خود را به‌روز و فهرست کتاب‌های خود را به‌صورت آنلاین یا در قالب یک فایل در سامانه ثبت کنند تا پس از انطباق با اطلاعات خانه کتاب و ادبیات ایران، امکان عرضه داشته باشند. کتاب فروشی‌ها می‌توانند از طریق سایت v.kctab.ir برای ثبت نام در «سامانه خرید از کتاب فروشی» اقدام کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر از ساعت ۹ تا ۱۸ با شماره ۹۱۰۹۸۹۸ تماس بگیرند.